

درجه

لزام بررسی آسیب‌های احتمالی فناوری 5G

● **مزدک سادات میرمرضانی**: سال‌هاست که عادت کرده‌ایم به هر فناوری جدیدی که در دنیا (به‌ویژه در غرب) تولید و استفاده می‌شود با دیده حسرت و تمنا نگاه کنیم و بخواهیم هرچه زودتر صاحب یا لاقال مصرف‌کننده آن باشیم. اگرچه این میل ایرانیان به ترقی و عقب‌نماندن از دنیای مدرن در موارد بسیاری باعث پیشرفت و رفاه آنان شده، اما بارها هم منجر به تقلید و واردات غیرکارشناسانه و نامطبوع و خسار فراوان شده است. حقیقت این است که متأسفانه ما راه استفاده هوشمندانه از عقب‌ماندگی کشورمان در زمینه فناوری و مزایای آن را نیاموخته‌ایم. ما این فرصت را داریم تا نتیجه آزمون و خطاهای پیشگامان فناوری را بررسی و سپس درباره واردکردن و استفاده از تکنولوژی‌های نو اقدام کنیم.

سال‌هاست که رقابت جهانی برای رسیدن به بالاترین سرعت اتصال به اینترنت درگرفته و غول‌های فناوری جهان در پیشرفته‌ترین لابراتوارها مشغول ارتقای آن هستند، به‌طوری‌که در سال‌های کوتاهی از اتصال کند دایال-آپ-خانگی به سرعت‌های 2G، 3G و 4G رسیده و هر بار از این افزایش سرعت دسترسی و اتصال، مشغوع و راضی تر شده‌ایم. بسیاری گفته‌اند و می‌گویند که این مقدار امواج که در فضای زندگی سا و این تضمین اتصال دائم ما به شبکه جهانی اینترنت وجود دارند، برای سلامتی و محیط زیست مضر و آسیب‌زا هستند؛ اما جاذبه سرعت بالای اینترنت به‌قدری زیاد است که این هشدارها را تاکنون کم‌اثر کرده و به نظر می‌رسد مردم تاکنون ضرر احتمالی این فناوری را در مقابل مزایای آن چندان مهم نپنداشته باشند؛ اما پدیده‌ای جدید در راه است که ممکن است معادلات را به‌شدت دستخوش تغییر کند. هنوز جوهر قرارداد اولین شهرهای پیشگام جهان برای استقرار و استفاده از اتصال اینترنت 5G با سرعت چندصد برابر اتصال‌های قبلی خشک نشده که وزیر ارتباطات، خبر ورود این فناوری را در آینده نزدیک به ایران رسانده‌ای کرد. این بار چینی‌ها در جنگی تکنولوژیک از آمریکا و غرب پیشی گرفته و تپلایه‌دار این فناوری نو در دنیا شده‌اند که این موضوع دلیل و ریشه اصلی جنگ تجاری پیش‌آمده میان چین و آمریکاست. با توجه به روابط حسنه‌ای که با چین داریم، انتظار داریم که به‌زودی و بدون جالش سیاسی قابل توجه این فناوری به کشور وارد شده و در هوشمندسازی هرچه بیشتر و مؤثرتر شهروهایمان به کار گرفته شود. تا اینجا همه چیز مثبت و راضی‌کننده به نظر می‌رسد.

خبرهایی که از تجارب اولیه استفاده از این فناوری می‌رسند هشدار دهنده و دست‌کم تأمل‌برانگیز هستند؛ از کشته‌شدن تعداد زیادی از پرندگان در هلند به‌دنبال آزمایش این فناوری تا تظاهرات گسترده علیه استقرار آن در سوئیس، لهستان، بلژیک و چندین کشور دیگر و حتی ملاظطات امنیتی مربوط به امکان شود و جاسوسی، دانشمندان مخالف این فناوری معتقدند به علت فرکانس بالا (بیش از ۲۸ هرتز)، و طول موج پایین امواج رادیویی اتصال 5G، به دکل‌های فرستنده و تقویت‌کننده‌های متعدد نیاز است که باید در فاصله حداکثر ۵۰۰ فوت (۱۵۰ متر) از هم قرار بگیرند و به این ترتیب تمام شهر و محله‌ها و ساختمان‌ها ملو از دستگاه‌های تقویت‌کننده و امواج قدرتمند آنها خواهد شد. این امواج قادرند پیوندهای شیمیایی را تضعیف یا حتی قطع کنند و گستره تأثیر آنها بر سلامتی انسان از ایجاد انواع سرطان‌ها تا پیری زودرس، عقیم‌شدن مردان، آسیب به دی‌ان‌ای به‌ویژه در زنان باردار و نوزادان را دربر می‌گیرد. همچنین این امواج علاوه بر آسیب‌های ذکرشده، باعث اختلال در ارتباط و جهت‌یابی پرندگان و سایر موجودهای رستی می‌شوند. مجموعه تهدیدهایی که ادعا می‌شود با استفاده از این فناوری متوجه جوامع و امنیت و محیط زیست آنها خواهد شد و مقاومت مردم چندین کشور پیشرفته جهان در مقابل استقرار سامانه‌ها و تجهیزات لازم برای استفاده از آن، مسئولان مربوطه را به ارزیابی دقیق اثرات و پیامدهای این کار فرامی‌خواند که مطالبه جدی جامعه مدنی و فعالان حوزه حفاظت محیط زیست و سلامت هم هست. انتظار می‌رود که وزارت ارتباطات درباره استفاده از فناوری 5G تعجیل نکند

و با تشکیل کارگروهی متشکل از کارشناسان زبده رشته‌های ارتباطات، فناوری اطلاعات، محیط زیست و سلامت، ارزیابی‌ها را محیط زیستی و سلامت این تکنولوژی را در دستور کار قرار دهد و ورود آن به کشور را منوط به پاسخ مثبت این کارگروه و اقعاع عموم مردم و کاربران اینترنت کند. با توجه به اینکه فناوری 5G می‌تواند برای کاربری‌های خاصی مانند دانشگاه‌ها و مراکز علمی-تحقیقاتی، نیروهای امنیتی و نظامی، بانک‌ها و رسانه‌ها بسیار کاربردی و لازم باشد، می‌توان پیشنهاد کرد که از این فناوری صرفاً در مراکز خاص و تحت نظارت و در نظرگرفتن همه ملاحظات ایمنی و محیط زیستی استفاده نشود و فقط پس از تحقیقات و ارزیابی‌های کافی و حصول اطمینان از خط‌خوردن آن، برای استفاده عمومی ارائه شود. در این صورت باید سازوکاری برای ایش و ارزیابی مداوم و اعلام خطر پیش‌بینی و مستقر شود تا با بروز کوچک‌ترین مشکل، هشدارهای لازم به‌طور شفاف و در کوتاه‌ترین زمان داده شود و راه‌حل‌های مناسب و حتی در صورت لزوم توقف کار سامانه‌های مرتبط با این فناوری و بازگشت به سرعت 4G اعمال شود.

شه‌رزاد همتی: حسین سراج‌زاده، رئیس انجمن

جامعه‌شناسی و مدیرگروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی را در روزهای پس از اعتراضات به گرانی بنزین در دانشگاه خوارزمی ملاقات کردیم. در گفت‌وگویی که قرار بود مشخصاً تصمیم‌سازی‌های اجتماعی دولت‌ها پس از انقلاب را نقد کند، ماجرای اصلی گفت‌وگو اعتراضات و نشنیدن صدای مردم شد. سراج‌زاده معتقد است حکومت در مقابله مسالمت‌آمیز و گفت‌وگو با معترضان مهارت کمی دارد و دلیل خشن شدن اعتراضات در ایران نیز همین عدم آمادگی برای مقابله مسالمت‌آمیز با معترضان است.

● **به نظر می‌رسد در جهان فصل اعتراض است و ما در کشورهای مختلف شاهد اعتراضات مردمی هستیم. به صورت کلی اعتراض در یک جامعه نشانه چیست و دولت‌ها چه واکنشی باید نسبت به چنین اعتراضاتی داشته باشند؟**

اعتراض نشانه نارضایتی از وضع موجود است که ممکن است نسبت به یک موضوع خاص یا مجموعه‌ای از شرایط و وضعیت جامعه باشد. به همین دلیل با اعتراضات زیادی در کشورهای مختلف روبه‌رو هستیم. منتها این اعتراضات در هر کشوری زمینه‌ها و موضوعات متفاوتی دارد و میزان نارضایتی، گستردگی و محدودبودنش هم متفاوت است. در نتیجه هر زمان که مردم احساس کنند از شرایط موجود نارضی هستند یا از تصمیمی که دولت و حکومت گرفته نارضی هستند و آن را به ضرر خودشان بدانند و اینکه از راه‌های قانونی مستقر برای تصمیم‌گیری هم امکان اعمال نظر ایشان را کم ببینند، معمولاً اقدام به اعتراضات خیابانی می‌کنند. نحوه مواجهه حکومت‌ها هم با اعتراضات خیلی متفاوت است. به نظرم از یک طرف باید این را پذیرفت و در حقوق اساسی بسیاری از کشورها ازجمله قوانین ما هم آمده که اعتراض حق مردم است؛ یعنی مردم حق دارند با روش‌های مسالمت‌آمیز که قانون پیش‌بینی کرده نسبت به تصمیمات حکومت، دولت و مجلس و هر نهاد دیگری، مودی یا به صورت کلی‌تر اعتراضشان را ابراز کنند. به نظرم در قوانین اکثر کشورهای که به نوعی بهره‌مند از نظام‌های دموکراتیک هستند یا قوانینشان براساس معیارها و روابط دموکراتیک و حق حاکمیت مردم نوشته شده، این حق اعتراض به رسمیت شناخته شده و باید هم روش‌هایی خاصی برای اعمال این حق وجود داشته باشد و این امکان فراهم شود.

● **در ایران مدتی است که می‌بینیم زمان رسیدن مطالبه به اعتراض کوتاه است. اول ۱۰ سال بود و ۹۶ تا امسال هم فاصله به دو سال رسیده است. سال گذشته هم اعتراضات کارگری را در بخش‌های مختلفی داشتیم. از طرفی هم به نظر می‌رسد خشونت در این اعتراضات از سوی مردم و مأموران بیشتر شده. این نشان‌دهنده خشن‌ترشدن مردم ایران است؟ آیا مردم ایران مطابق آمار سازمان روان‌شناسی و پزشکی قانونی خشن شده‌اند یا چون شرایط اعتراض مسالمت‌آمیز فراهم نیست این اتفاق می‌افتد؟**

به نظرم آنچه به کشور ما برمی‌گردد این است که برای اعتراضات مردم با روش‌های مسالمت‌آمیز اشکالات و محدودیت‌های نه‌ای خیلی جدی وجود دارد. حتی من دامنه موضوع را بیشتر بسط می‌دهم؛ برای اعمال نظر مردم در تصمیم‌گیری‌هایی که قرار است دولت به نمایندگی از مردم انجام دهد هم محدودیت وجود دارد. مردم در نظام‌هایی که به نوعی ویژگی یا صفت مردم‌سالارانه را با خودشان دارند، باید بتوانند هزارچندگانهی براساس دوره‌هایی که تعیین شده درباره دولتمردانشان و اینکه چه کسانی بر آنها حکومت کنند و مدیریت جامعه را بر عهده بگیرند تصمیم بگیرند. در ارتباط با همین تصمیم در سیستم سیاسی‌مان با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستیم. محدودیت‌هایی که خیلی اجازه نداده احزاب سیاسی که بازمانی گرایش‌های مختلف فکری، سیاسی و حتی طبقاتی در جامعه هستند، شکل بگیرند و در زمان انتخابات خودشان را به مردم ارائه کنند. محدودیت‌هایی که اجازه نمی‌دهد همه افراد ناراضی شوند و شمار زیادی از افرادی که واجد صلاحیت از نظر مردم هستند، صلاحیتشان تأیید نمی‌شود. از همه مهم‌تر در همین چارچوب محدود رقابتی صورت می‌گیرد و دو جریان اصلی که در کشور ما حداقل تا امروز به نحوی نمایندگانی در انتخابات داشته‌اند، به نام جریان اصلاح‌طلبی و اصولگرایی، اکثر مردم را نمایندگی نمی‌کنند؛ به این ترتیب مشکلات سیاست خارجی و داخلی عملاً به محدودیت روبه‌رو می‌شود و انگار باید از دیدگاه‌های جریانی که در انتخابات رای اکثریت را نیاورده، بیرونی کند؛ یا این ترتیب مشکل جدی نهادی در سیستم سیاسی ما وجود دارد که اصولاً دیدگاه‌های اکثریت مردم از طریق سازوکارهای انتخاباتی خیلی نمی‌تواند بر کرسی مدیریت بنشیند.این یک مشکل است که سرخوردگی و ناکامی را در بخشی از مردم ممکن است ایجاد کند و کرده. مورد دیگر اینکه دولت‌ها به‌درستی انتخاب شده باشند یا نه، تصمیم‌هایی می‌گیرند که در سرنوشت مردم آثاری دارد. در ایران بنا به دلایل مختلف با تنش در روابط خارجی روبه‌رو شده‌ایم و تحریم‌هایی بر کشور ما تحمیل شده، از دوره آقای احمدی‌نژاد تحریم‌ها را داشتیم که با برجام برداشته شد اما در میان محافظه‌کاران آمریکایی و جمهوری خواهان و به‌ویژه در حاکمیتی که ترامپ نمایندگی می‌کند با جریان برجام که نمادی از بهبود در روابط و سیاست خارجی

ایران و جهان غرب بود، مخالفت‌هایی وجود داشت و همچنین در داخل ایران جریان‌های رادیکال و اصولگرا مخالفت‌های جدی داشتند. بنابراین آن برنامه به‌درستی پیش نرفت و با تصمیم یک‌جانبه ترامپ تحریم جدیدی اعمال شد. نتیجه این سیاست‌ها و تحریم‌ها این شده که بعد از شروع تحریم‌ها در ۱۰ سال گذشته و تحریم‌های جدید، ارزش پول ملی ما ۹ برابر سقوط کرده که فشار مضاعفی بر زندگی مردم وارد کرده است، فقر، بی‌کاری، رکود اقتصادی، گرانی کالاها و خدمات موردنیاز مردم، اولین پرسش این است آیا در این تصمیم‌ها، نظرات کارشناسانه و اراده مردم دخالتی داشته؟ اگر دخالت و همراهی داشته باشند قاعدتاً ر تبعاتش هم همراهی می‌کنند. دوم در ارتباط با سیاست‌های مودی است؛ مثلاً تصمیمی در مجموعه‌ای که حداقل از نظر قانونی در سیستم قانون‌گذاری ما جایگاه ندارد؛ یعنی در نظام قانون‌گذاری ما این‌گونه تصمیم‌ها را باید دولت پیشنهاد کند و مجلس تصمیم بگیرد، فرایند و سازوکاری دارد؛ بدون اینکه این سازوکار قانونی طی شود، در نهادی که شورای سران قوا هست، تصمیم جدی شو‌آور

اقتصادی گرفته می‌شود. درباره این تصمیم ممکن است به‌لحاظ منطق اقتصادی، بسیاری از اقتصاددانان و ما در شرایط و زمینه مناسب با آن موافق باشیم، یعنی بگوییم یارانه مستقیم کالاهایی مثل سوخت نباید در اقتصاد وجود داشته باشد اما اینکه در چه زمانی و چگونه انجام شود و آیا شوک‌آور باشد یا نه، نرخ سبزه‌های بلکه‌انی انجام شود مهم است. طرحی که زمان دولت آقای خاتمی مطرح بود که سالانه درصدی به قیمت بنزین اضافه شود که فشار ناگهانی بر زندگی مردم ایجاد نمی‌کند؛ اما در موقعیتی که در دوره ۱۰ساله، ارزش پول ملی ۹۱ برابر سقوط کرده و فقر و بی‌کاری به وجود آمده، یک‌باره نرخ از دینزین سه برابر و نرخ سبزه‌های ۵۰ درصد گران شده است، جامعه معترض خواهد بود. البته نمی‌توانند نظرشان را از طریق نهادهای قانون‌گذاری پیش ببرند، چون با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستیم و وقتی اعتراض دارند، اعتراض‌های مسالمت‌آمیز به رسمیت شناخته نمی‌شود و راهی برای این نوع اعتراض‌های مسالمت‌آمیز وجود ندارد. در این شرایط خشم فروخته از ناحیه فرودستان جامعه به نفرت تبدیل می‌شود و خروش را به شکل آشوب، تخریب و غارت فروشگاه‌ها نشان می‌دهد و در خیلی از جاهای دنیا هم این اتفاق‌ها افتاده و می‌افتد. در ایران هم اگر در فرایندهایی که عرض کردم اصلاح اساسی رخ ندهد ممکن است هزارگاهی تکرار شود.

البته هر کشوری از جمله ایران دشمنانی دارد که از این شرایط بهره‌برداری می‌کنند. هر نظام حکومتی دشمنانی دارد. از جمله ایران که گروه‌های مرتجع سلطنت‌طلب یا جریانات تروریستی مثل منافقین، بدون تردید از این فضا استفاده می‌کنند و چه‌بسا بخواهند از این جریانات به نام خودشان بهره‌برداری کنند؛ اما دولت باید بااحتیاط با مردمی که از سفر و بیچارگی به یک تصمیم یا کلیت یک سیستم سیاسی اعتراض دارند، برخورد کند و روش‌های مواجهه برای برقراری نظم را بسیار بااحتیاط به کار ببرد. متأسفانه سیستم ما از این حیث آمادگی کمی دارد. از حیث آرام‌کردن شورش‌های شهری با روش‌هایی که هزینه‌ها و ازسپردادن جان انسان‌ها را در پی نداشته باشد. متأسفانه این دو به‌ویونی اتفاق نیفتاده و به‌درستی مدیریت نشده است. برای جامعه هم به‌صلاح نیست شرایطی فراهم شود که روش‌های مسالمت‌آمیز اعتراض امکان ظهور و بروز پیدا کنند و در شرایط انفجاری به این نوع رویدادها ختم شود. با گفته شما که آیا مردم ایران خشن هستند موافق نیستم. در هر جامعه‌ای با در انتخابات راه‌های مسالمت‌آمیز اعتراض و راه‌های قانونی اعمال نظر مردم در تصمیم‌گیری‌های اساسی محدودیت ایجاد شود، شاهد چنین رویدادهایی خواهیم بود.

● **اینکه گاهی از مردم خواسته می‌شود افراد فاسد را معرفی کنند. مردم واقعاً چه نقشی می‌توانند ایفا کنند؟**

این موضوع را مردم مداخله‌کنند و به نظام‌های کنترلی در جامعه برای جلوگیری از جرائم، مهار و برخورد با مجرمان اطلاع‌رسانی کنند، باید در متن اجتماعی و سیاسی دید و ارزیابی کرد؛ در متنی که دولت و مدیران جامعه نماینده مردم هستند و مردم را به‌خوبی نمایندگی می‌کنند، اگر از مردم خواسته شود جرائمی که مصالح عمومی را تهدید می‌کنند، اطلاع دهند. این یک امر عادی و قابل قبول است؛ و انگار بخشی از مشارکت

گفت‌وگو با حسین سراج‌زاده، رئیس انجمن جامعه‌شناسی

بی‌توجهی به دلایل نارضایتی منجر به اعتراض می‌شود



تظاهرات عمومی کوروس، ایران

اجتماعی برای کنترل جرم و جرائمی است که جامعه را تهدید می‌کند. فرض کنید در سیستمی که حاکمیت قانون وجود دارد، برخورد با مجرمان براساس قانون صورت می‌گیرد، اگر کسی با کارخانه‌ای محیط زیست را تخریب می‌کند، بخشی از مردم در قالب مشارکت اجتماعی می‌توانند و باید اطلاع‌رسانی کنند. یا اگر فردی به‌عنوان اوباشگری در خیابان مزاحمت برای مردم ایجاد کند، وظیفه مردم است که به مسئولان مربوطه اطلاع دهند. یا اگر فساد اقتصادی جریان دارد، مثلاً کارمندی اطلاع دارد رئیسش رشوه می‌گیرد یا اختلاس می‌کند، اطلاع دهد؛ یا هر موضوع دیگر. کارهایی که طبق ضوابط مجرمانه است و سیستم قضائی و امنیتی‌ای که براساس دیدگاه‌های مردم و ضوابط قانونی کار می‌کند، این نوع اطلاع‌رسانی‌ها بخشی از مشارکت عمومی مردم برای کنترل جرم خواهد بود. اما بخش‌هایی که بحث مصالح عمومی نیست و بحث منافع یک جریان خاص است، قرارگرفتن جامعه در مقابل جامعه است و تشدید تعارضات سیاسی و اجتماعی که به صلاح جامعه نیست. زمانی معمول بود که مأموران برای جمع‌کردن دیش‌های ماهواره می‌رفتند و مردم به هم خبر می‌دادند؛ چون مردم داشتن ماهواره و دسترسی آزاد به اطلاعات را حق خودشان می‌دانند و این قانون را موجه نمی‌دانند، در نتیجه مقاومت مردمی شکل می‌گیرد. اما اگر کسی در خیابان عریضه‌ششی کند و مزاحمت ایجاد کند، همه مردم به پلیس خبر می‌دهند؛ هر دو کارشان معیار و ضابطه دارد.

● **به نظر شما، به‌عنوان جامعه‌شناس قدیمی در ایران، دولت و سیاست‌گذاران خاصه اجتماعی کشور، چه تصمیماتی باید در این سال‌ها می‌گرفتند که نگرفتند و چه تصمیماتی نباید می‌گرفتند که گرفتند؟ آیا فرصت ترمیم وجود دارد؟**

البته من خیلی قدیمی نیستم، ولی حداقل از دوره شروع انقلاب در سال ۵۶ دانشجوی جامعه‌شناسی بودم و از آن زمان درگیر آموزش، تدریس و تحقیق و کارهای جامعه‌شناسانه بودم. در واقع از یکی، دو سال قبل از انقلاب با هم بحث‌های جامعه‌شناختی آشنا هستم و همین‌طور با برخی از فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی مرتبط با امر اصلاح جامعه و بهبود شرایط خودش را به شکل آشوب، تخریب و غارت فروشگاه‌ها نشان می‌دهد و در خیلی از جاهای دنیا هم این اتفاق‌ها افتاده و می‌افتد. در ایران هم اگر در فرایندهایی که عرض کردم اصلاح اساسی رخ ندهد ممکن است هزارگاهی تکرار شود.

البته هر کشوری از جمله ایران دشمنانی دارد که از این شرایط بهره‌برداری می‌کنند. هر نظام حکومتی دشمنانی دارد. از جمله ایران که گروه‌های مرتجع سلطنت‌طلب یا جریانات تروریستی مثل منافقین، بدون تردید از این فضا استفاده می‌کنند و چه‌بسا بخواهند از این جریانات به نام خودشان بهره‌برداری کنند؛ اما دولت باید بااحتیاط با مردمی که از سفر و بیچارگی به یک تصمیم یا کلیت یک سیستم سیاسی اعتراض دارند، برخورد کند و روش‌های مواجهه برای برقراری نظم را بسیار بااحتیاط به کار ببرد. متأسفانه سیستم ما از این حیث آمادگی کمی دارد. از حیث آرام‌کردن شورش‌های شهری با روش‌هایی که هزینه‌ها و ازسپردادن جان انسان‌ها را در پی نداشته باشد. متأسفانه این دو به‌ویونی اتفاق نیفتاده و به‌درستی مدیریت نشده است. برای جامعه هم به‌صلاح نیست شرایطی فراهم شود که روش‌های مسالمت‌آمیز اعتراض امکان ظهور و بروز پیدا کنند و در شرایط انفجاری به این نوع رویدادها ختم شود. با گفته شما که آیا مردم ایران خشن هستند موافق نیستم. در هر جامعه‌ای با در انتخابات راه‌های مسالمت‌آمیز اعتراض و راه‌های قانونی اعمال نظر مردم در تصمیم‌گیری‌های اساسی محدودیت ایجاد شود، شاهد چنین رویدادهایی خواهیم بود.

● **اینکه گاهی از مردم خواسته می‌شود افراد فاسد را معرفی کنند. مردم واقعاً چه نقشی می‌توانند ایفا کنند؟**

این موضوع را مردم مداخله‌کنند و به نظام‌های کنترلی در جامعه برای جلوگیری از جرائم، مهار و برخورد با مجرمان اطلاع‌رسانی کنند، باید در متن اجتماعی و سیاسی دید و ارزیابی کرد؛ در متنی که دولت و مدیران جامعه نماینده مردم هستند و مردم را به‌خوبی نمایندگی می‌کنند، اگر از مردم خواسته شود جرائمی که مصالح عمومی را تهدید می‌کنند، اطلاع دهند. این یک امر عادی و قابل قبول است؛ و انگار بخشی از مشارکت

شعارهای اصلی است که برای آن انقلاب شده بود. این یک مسئله مهم بود.

نتیجه این فرایندها این شده که چیزی به نام درنظرگرفتن مطالبات مردم و اکثریت در تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی، آرام‌آرام اهمیتش را از دست داد. نتیجه این اتفاق، کاهش سرمایه اجتماعی نظام حکمرانی است. اشکال دیگری که باید اصلاح شود، این است که نمادهای ارزشی و فرهنگی جامعه برای یک جریان فکری خاص هزینه شده است. نمادهای فرهنگی و دینی بخشی از دارایی جامعه برای دوام و بقای آن است که نباید صرف یک جریان فکری و سیاسی خاص شود. جریان اصلاح‌طلبی، جریانی در درون انقلاب اسلامی است و اگر به سوابقش دقت کنید، در ابتدای انقلاب اساساً جریان غالب است و بنیان‌های محکم‌تری دارد و افراد خاص‌تری با آن همراه هستند. جریان اصولگرایی و به‌خصوص روایت‌های رادیکال آن که آن روز و امروز اقلیت بود و هست، می‌خواهد همه نمادهای مذهبی، اخلاقی و دینی جامعه را صرف خودش بکند و کرده است. نتیجه‌اش هم مقاومت جامعه در مقابل همان نمادها می‌شود؛ درحالی‌که اگر این نمادها خرج آن جریان نمی‌شد، این سرمایه‌های نمادین فرهنگی و اخلاقی در کلیت جامعه مورد حمایت و حفاظت همه جریان‌های اجتماعی می‌بود و بازتولید می‌شد و آنها را متناسب با شرایط جدید به‌روز می‌کردند. جنبه دیگر، نادیده‌گرفتن دیدگاه‌های کارشناسانه در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی جامعه است. امروز مدیریت جامعه نیازمند تصمیمات کارشناسانه بر اساس شناخت واقعیت‌هاست نه براساس آرزوها. هرکسی که بخواهد جامعه را بر اساس گرایش‌های ویژه‌ای که ممکن است در جامعه هم خیلی نفوذ و طرفدار نداشته باشد، اداره کند و به نظرات کارشناسانه بی‌توجه باشد، با بحران‌ها و مشکلاتی روبه‌رو می‌شود. بخش درخو رتوجهی از بحران‌ها و مشکلاتی که جامعه امروز ما با آنها روبه‌رو است، ناشی از نادیده‌گرفتن دیدگاه‌های کارشناسانه و برتری‌دادن به معیارهای گاه جزمی و آرزوها و امیال یک جریان فکری خاص است. امروز ما با بحران‌ها و مشکلاتی روبه‌رو می‌شود. بخش درخو رتوجهی از بحران‌ها و مشکلاتی که جامعه امروز ما با آنها روبه‌رو است، ناشی از نادیده‌گرفتن دیدگاه‌های کارشناسانه و برتری‌دادن به معیارهای گاه جزمی و آرزوها و امیال یک جریان فکری خاص است. اینها به‌تدریج شکل گرفت و گسترده‌تر شد؛ برخی به جریان کاملاً نهادی تبدیل شد که در سیستم سیاسی ما وجود دارد. اگر بخواهم خیلی روشن صحبت کنم، از دهه ۷۰ جامعه ایران را وارد فاز تازه‌ای شد. به‌رحال از مرحله‌ای که بحران‌های بعد از انقلاب و تلاطم‌ها برای ایجاد و تثبیت یک سیستم سیاسی بود، بعد از آن جنگ و همه‌کوشش‌هایی‌که نظام سیاسی و کلیت جامعه و بخش درخو رتوجهی از مردم برای حفظ کشور کردند، وارد دوره‌ای شدیم که انگار جامعه می‌خوشت خودشان بپردازد و چشم‌اندازی برای توسعه رفاه، آزادی و برابری در پیش بگیرد. در این شرایط حداقل دو جریان فکری مشخص به‌تدریج درون سیستم سیاسی ایران شکل گرفت. انتخاب آقای خاتمی با اکثریت شایان توجه در دو مرحله نشانگر این بود که گرایش اکثریتی جامعه چیست. در برخی انتخابات بعدی هم تکرار شد و به‌تدریج طبقه متوسط جامعه ایران با اتفاقاتی که افتاده بود، به دیدگاه‌های امروزی‌تر روی آورد که اصلاح‌طلبان آن را نمایندگی می‌کردند. به صورت بنیادین برای پیشبرد این دیدگاه‌ها، مانع و محدودیت ایجاد شد. بعد هم رویدادهایی که با انتخاب آقای روحانی رخ داد و مجلسی که اکثر مردم تهران نشان دادند که در یسین در دیدگاهی که امکان رقابت پیدا کرده‌اند، به چه دیدگاهی گرایش دارند. همه مسئله این است که این گرایش‌ها و مطالبات برای اینکه در درون سیستم سیاسی ایران جلو برود، با محدودیت‌هایی روبه‌رو می‌شود و اصلاحاتی که از سال ۷۶ در سیستم سیاسی ما اعمال می‌شد تا آن روز، جایب و کارآمد کرده و مشکلات خودش و جامعه را حل کند، در برابرش مقاومت شد و هرچه جلوتر می‌رویم انگار امید به اصلاح در بخش‌های درخو رتوجهی از مردم کمتر می‌شود. این هم برای حاکمیت سیاسی و هم برای جامعه خطرناک است. همین امروز هم تأخیر داریم؛ اگر از زمان تصمیمات اصلاحی، ساختاری بگذرد، شاید در شرایط بحرانی هم اگر حاکمیت حاضر به قبول آنها باشد، دیگر از ناحیه جامعه پذیرفته نشود؛ درحالی‌که اگر بهنگام پذیرفته شود، نشان‌دهنده توانمندی و پویایی سیستم برای به‌روزرکردن خودش و مدیریت بهتر جامعه است. امروز چون امید به اصلاح و بهبود کم شده است، امید به اینکه مردم بتوانند از طریق صندوق‌های رای مطالباتشان را به دست آورند، تا حدودی هم میل به شرکت در انتخابات کم شده، هم اعتراضاتی که به برخی از تصمیم‌گیری‌ها صورت می‌گیرد و همه مسئولان به‌درستی می‌گویند حق مردم است، اما متأسفانه راهی برای بروز و ظهور مسالمت‌آمیزش باز نمی‌کنند. هم تناوب اعتراضات کم می‌شود، هم خیلی زود به خشونت گرایش پیدا می‌کند که نشانه ناامیدی از رسیدن به نتایج درست از روش‌های مسالمت‌آمیز است. این اتفاق برای حکومت و جامعه خوب نیست و امیدوارم در نظام مدیریتی جامعه به این نکته توجه شود. در فرانسه جلیقه‌زرها یک سال است تجمع دارند و تظاهرات می‌کنند و گاهی هم تخریب و خشونت به همراه داشته‌اند؛ اما نه این تعداد تلفات داشته‌اند، نه اعتراض‌ها را به نیروهای بیرون از جامعه منتسب کرده‌اند، بلکه دنبال ریشه‌های اجتماعی و آرام‌گردنش هستند. عرض این است که بی‌توجهی به زمینه‌های اجتماعی نارضایتی عمومی‌که این نوع انقلاب را دربر داشته، می‌تواند به اصلاح یا روش‌های مسالمت‌آمیز را روز به روز کمتر می‌کند.

خبر

رشد ۱۸درصدی استفاده از تلگرام در آذر

● **ایران**: بررسی‌ها نشان می‌دهند استفاده از تلگرام همچنان در حال افزایش است و با وجود آنکه در اوایل آذرماه به علت قطعی اینترنت، استفاده از این شبکه اجتماعی محدود شده بود، اما با اتصال مجدد اینترنت، استفاده از این شبکه اجتماعی در روندی کاملاً صعودی، به بیشترین میزان خود در ماه‌های اخیر رسیده است. داده‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد در ادامه روند افزایشی استفاده از تلگرام، میزان بازدید مطالب کانال‌های تلگرامی در آذر بیش از آبان بوده و به صورت میانگین ۱۹۷ میلیون بازدید در هر روز بیشتر از ماه قبل بوده است. این در حالی است که تولیدات کانال‌های تلگرامی نیز افزایش یافته و به‌طور میانگین در هر روز ۸۸ هزار مطلب تلگرامی، بیشتر منتشر شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهند پس از قطعی تلگرام طلایی و هاتگرام، استفاده از تلگرام در آذرماه به بیشترین میزان خود رسیده و بیش‌بینی می‌شود این روند افزایشی، تداوم یابد.

تلفات آنفلوآنزا به ۱۰۸ نفر رسید

● **ایران**: معاون بهداشت وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی گفت: با مرگ دو مبتلا به آنفلوآنزا در هفته گذشته، تعداد کل تلفات این بیماری از اول مهرماه تاکنون به ۱۰۸ نفر رسیده است. علیرضا رئیسی روز شنبه در گفت‌وگو با خبرنگار سلامت ایران، افزود: موج ابتلا به بیماری آنفلوآنزا در کشور فروکش کرده است و هفته گذشته ۲۲۳ مورد بستری بیماران تنفسی را در کشور داشتیم. همچنین حسین عرفانیان، رئیس اداره مراقبت از بیماری‌های واگیردار وزارت بهداشت، در این زمینه گفت: همه موارد فوت ناشی از آنفلوآنزا افرادی بودند که بیماری زمینه‌ای داشتند و اگر هم در بین آنان فردی بیماری زمینه‌ای نداشت، علت مرگ تأخیر در مراجعه به پزشک، خوددرمانی و استفاده از داروی کورتن بوده است. عرفانیان ادامه داد: گرچه فوت شهروندان به علت آنفلوآنزا تأثیربرانگیزی است اما اگر اقدامات کنترلی وزارت بهداشت نبود، تعداد موارد ابتلا و مرگ ناشی از این بیماری می‌توانست به‌مراتب بیشتر باشد و حداقل سه برابر آمار کنونی می‌شد. بر اساس فرمول‌های جهانی، ما باید انتظار مرگ ۳۱۲ نفر در هر هفته را می‌داشتیم که خوشبختانه آمار مبتلایان و مرگ ناشی از این بیماری در کشور در این دوره از آیدیمی به‌مراتب کمتر بود.

تأثیر تحریم‌ها در ارائه خدمات درمانی به پناه‌جویان

● **ایسنا**: شاهرخ رامزی، معاون برنامه‌ریزی، مدیریت و توسعه منابع سازمان بیمه سلامت، در نشست انعقاد هماهنگی‌های اولیه تهاجم‌نامه میان سازمان بیمه سلامت و کمیساریای عالی پناهندگان، با اشاره به اینکه ایران به عنوان بزرگ‌ترین کشور پذیرای اتباع و پناهندگان در دنیا شناخته شده و در حال ارائه خدمات به پناه‌جویان است، گفت: بی‌شک این مسئله جزء اصول دین مبین اسلام است که اصل را بر پایه میهمان‌دوستی و میهمان‌نوازی قرار داده و دین اسلام در همه جهات توصیه به اخلاق والای انسانی داشته است. وی گفت: بیمه سلامت در راستای مباحث انسان‌دوستانه و اجرای تکالیف قانونی بیش از اعتباراتی که کمیساریا در اختیار قرار داده، بابت پوشش بیمه پناه‌جویان آسیب‌پذیر هزینه کرده است. آثار تحریم‌های ناچایم‌دانه حاکم بر جمهوری اسلامی ایران در همه روند زندگی مردم و پناه‌جویان اثر گذاشته است، حتی آثار تحریم‌ها در انتقال اعتبارات مورد نظر برای ارائه خدمات به پناه‌جویان هم تأثیرگذار بوده است، بنابراین انتظار می‌رود کمیساریا در مراجع بین‌المللی این مسئله را طرح کرده و از سازمان ملل انتظار داریم در مسائل حقوق بشری با جدیت ورود کرده و از ادامه ظلم به مردم ایران و پناه‌جویان جلوگیری کند.

انتقاد از پرداخت وام ازدواج به دختران ۱۳ تا ۱۵ سال

● **ایلنا**: محمدمهدی تندگویان، معاون ساماندهی امور جوانان وزارت ورزش و جوانان، با انتقاد از پرداخت وام ازدواج به دختران زیر ۱۸ سال گفت: قانون به دختران زیر ۱۳ سال وام ازدواج نمی‌دهد، طبق مقررات بانک مرکزی، دختران ۱۳ تا ۱۵ ساله همچنین پسران از سن ۱۵ سال به بالا می‌توانند وام ازدواج بگیرند. جامعه هدف واقعی ازدواج در کشور از نظر ما جوانان در رنج سنی ۱۸ تا ۳۵ ت هستند. بنابراین دولت و ما باید روی جامعه هدفمان متمرکز شویم. در این چند سال افزایش ازدواج در جامعه هدف واقعی که جوانان ۳۵ تا ۴۵ سال هستند، وجود نداشته است، ولی از سال گذشته جامعه‌ای که هدف واقعی که جامعه هدف نیست، یعنی در میان دختران زیر ۱۵ سال افزایش ازدواج داشتیم، وی اضافه کرد: جامعه هدف ما از وام ازدواج هیچ تأثیر مثبتی نگرفته، ولی جامعه‌ای که اصلاً هدف ما نبوده به شکل ناگهانی به چهار برابر ازدواج رسیده است. اگر قرار است مقوله ازدواج جوانان کمک کنیم، باید تسهیلات به جامعه هدف واقعی برسد. درخواستمان این است که مجلس هم در بازپرداخت وام به جوانان کمک کند و هم به سنی که قرار است این وام را بگیرند، دقت شود. به نظر ما زیر ۱۸ سال نباید وام ازدواج بگیرد، ولی این امر در اختیار مجلس است.